**نخستین انتخابات در تبریز**

**طاهرزاده بهزاد،**

پس از صدور فرمان مشروطیت از طرف مرحوم مظفر الدین شاه و دستور اجرای‏ آن،مردم تبریز باشور و امید فراوان،بانتخاب و کیلان پرداختند.انتخابات دورهء اول، چنانکه در کتابهای تاریخ مشروطیت بتفصیل ذکر شده صنفی بود.در دورهء اول،بر خلاف ادوار اخیر،مردم بنمایندگان و نمایندگان بمردم بچشم ادب و احترام مینگریستند مخصوصا و کیلان میکوشیدند که خدماتشان صادقانه و عاری از کژی و کاستی باشد. بعبارت دیگر مردم و وکلا هر دو بمسؤلیت خطیر خود آگاه بودند و بهیچ بهانه راضی‏ نمیشدند قدمی مخالف وجدان و حقیقت و دیانت بردارند.

در انتخابات دورهء اول،ثروت،اعمال نفوذ،تشبث و تظاهر و مانند اینها همه بی‏ فایده بود و مردم تنها باشخاص وطن‏پرست و خیرخواه و حق‏طلب روی آوردند.وکلای‏ دورهء اول مجلس شورای ملی از آذربایجان:سید حسن تقی‏زاده،حاج میرزا ابراهیم، میرزا صادق مستشار الدوله،میرزا ابراهیم خان شرف الدوله،هدایت اللّه میرزا،حاج میرزا آقا فرستی،میرحسن خان احسن الدوله،حاج محمد آقا حریری،امام جمعه خوئی، میر عبد الرحیم طالبوف،میر هاشم شتربانی،میرزا فضلعلی آقا بودند که مردم یکدل و یکزبان بلیاقت و هوشمندی و درستکاری ایشان ایمان و اطمینان داشتند.برای اثبات‏ این گفتار همین بس که بگوئیم هنگام انتخابات آقایان تقی‏زاده و میرزا هاشم شتربانی‏ 23-و همچنین کلمهء«الحرقة»که در سطر 7 صفحهء 250 با«قاف»ثبت شده است باید «الحرفة»یعنی با«فاء»ثبت میگردید.

24-در صفحهء 222 سطر 6 ظاهرا کلمهء«سلامت»غلط مطبعه و صحیح آن«سلامت»است. 25-عبارت و«هی هذا»واقع در سطر اول از صفحهء 212 قاعدة درست نیست و باید «هی هذه»باشد.

26-جملهء:«و بعد از مأمون خلفاء دیگر را نیز تا مهدی خدمت نمود»واقع در سطر اول‏ و دوم صفحهء 229 ظاهرا اشتباهی در بردارد زیرا در میان خلفای عباسی بعد از مأمون خلیفه‏ای‏ ملقب به«مهدی»سراغ نداریم و برای تصحیح عبارت باید بمأخذ مطلب رجوع شود.

در تهران بودند و طالبوف نیز در باد کوبه اقامت داشت.

روز سه‏شنبهء 23 ذی حجه 1324 که هفت نفر نمایندگان آذربایجان بسوی‏ پایتخت راهی شدند،شهر تبریز شاهد احساسات شدید مردمان غیرتمند تبریز بود. اهالی شهر در گذرگاه وکیلان محبوب خود طاق نصرتها بسته و بر بالای آن قرآنها نهاده بودند.قاریان با صدای بلند قرآن میخواندند و خیر و برکت آنرا بدرقهء راه آنان‏ میکردند.نمایندگان نخست در انجمن ایالتی گرد آمده،ضمن خطابه‏ها و نطقهای‏ مهیج،پیمان سپردند،که تا پای جان در صیانت استقلال کشور و طرفداری از حق و حقیقت بکوشند،و مردم نیز قسم خوردند که تا خون در تنشان جریان دارد از حمایت‏ ایشان روی بر نتابند.

وکیلان وقتی به پیشخان مسجد«امیرخیز»رسیدند،مرحوم شیخ سلیم بالای‏ منبر شد و پس از خواندن خطبه نمایندگان را بقرآن مجید قسم داد که جز بصلاح‏ مملکت و مردم قدم برندارند و سوای خلق تکیه‏گاهی برای خود نجویند.شیخ سلیم‏ سپس خطاب بمردم گفت:ای غیرتمندان خطهء آذربایجان،این چند نفر که اکنون‏ از کنار شما بطهران میروند،نمایندگان و برگزیدگان شما هستند.وظیفهء شماست‏ که دستورهای آنانرا بی‏پروا اطاعت و اجرا کنید و بدانید بدون حمایت و پشتیبانی شما از انجام وظایف سنگینی که بایشان سپرده‏اید عاجز و درمانده میشوند.آیا پیمان‏ می‏بندید که از نگهبانی و وفاداری آنان پشیمان نشوید و روی بر نتابید؟غریو شادی‏ بنشان رضا و تصدیق از مردم برخاست و همه را بهیجان در آورد.حاضران بوفاداری و پشتیبانی خود سوگندهای مؤکد یاد کرده گفتند:ما بشایستگی و درستی و همت‏ نمایندگان خود اعتماد کامل داریم و اگر موئی از سر آنان کاسته شود یکسره تا پایتخت میرانیم.

سپس میرزا حسین واعظ آغاز سخن کرد و گفت:ای مردم این کلام اللّه که اکنون‏ در دست منست بین شما و نمایندگان حکم خواهد بود و هر دو گروه وظایفی را که‏ بعهده گرفته‏اید باید مطابق امانت و عدالت بپایان برسانید.آن وقت نمایندگان سوار درشکه شدند و در میان شور و شوق مردم رهسپار پایتخت گردیدند.